

آیین رونمایی از کتاب «زندگی اینجاست» در تبریز برگزار شد
«زندگی اینجاست» یک سبک زندگی است



مراسم رونمایی از کتاب «زندگی اینجاست» که روایتی کوتاه از زندگی آیتا... سیدجواد خامنه‌ای است، هم‌زمان با سالروز رحلت این عالم جلیل‌القدر، با حضور علما، اندیشمندان، ائمه‌جمعه شمال غرب کشور، خانواده‌شهدا، میهمانان خارجی از کشورهای ترکیه، جمهوری آذربایجان، روسیه و گرجستان، نمایندگان گروه‌های سیاسی، اصحاب فرهنگ و هنر و اقشار مختلف مردم در مسجدجامع تبریز به‌عنوان یکی از مراکز تدریس و اقامه نماز پدر مکرّم رهبر معظم انقلاب برگزار شد.

- قدردانی از علم، فقا‌هت و تقوا

تولیت آستان قدس رضوی در این مراسم، بیان کرد: امروز شاهد برگزاری مراسمی برای عالمی بزرگ ولی ناشناخته هستیم. حدود ده‌پانزده‌سال پیش که در تهران بودم، خدمت فرزندان رهبر معظم انقلاب عرض کردم که من خدمت پدربزرگ شما نرسیدم، ولی از زمانی که در مشهد هستم و با رفت‌وآمدی که با علما و زعمای حوزه دارم، فهمیدم مرحوم آیتا... سیدجواد خامنه‌ای شخصیت بزرگی بوده، اما این بزرگی تحت‌شعاع فرزند بزرگوارشان قرار گرفته است و باید حق ایشان را ادا کنید. زیرا ایشان ناشناخته هستند.

حجت‌الاسلام والمسلمین احمد مروی با اشاره به ویژگی‌های شخصیتی آیتا... سیدجواد خامنه‌ای، گفت: این‌ها الگو و اسوه هستند. برگزاری این گونه مراسم‌ها و محفل‌ها امری تشریفاتی و تزیینی نیست. قدردانی از این‌ها، قدردانی از علم، فقا‌هت، تقوا و زنده کردن فضیلت‌های بشری است.

وی ادامه داد: بر اساس آیات الهی، فقط انبیا هویّت‌ساز نیستند و کسانی که در مکتب تربیتی انبیا رشد کردند هم هویّت‌ساز هستند. پس باید برای جامعه‌ای که دنبال هویّت هستند، امثال این برنامه را زیاد داشته باشیم. اگر ما الگوهای صحیح، الهی و ارزشی و... معرفی نکنیم، بدخواهان و راهزنان اعتقادی و فکری، الگوهای بدلی در ذهن جوانان ما ایجاد خواهند کرد.

- اغتشاشات سال گذشته برای زدن نماد حکومت دینی بود

حجت‌الاسلام والمسلمین مروی با اشاره به برنامه‌ریزی‌های دشمنان به‌منظور بی‌هویّت کردن جوامع مختلف، گفت: امروز دشمن به‌دنبال این است که جامعه ما، مردم ما و به‌خصوص نسل جوان ما را بی‌هویّت کند. وقتی به این هدف رسید، جامعه نمی‌تواند نماد و الگو داشته باشد. بر این اساس الگوهای خسارت‌بار را برای جوانان ما درست می‌کنند. در اغتشاشات سال گذشته دیدیم که عده‌ای برای دشمنان سیاهی لشکر شدند. در این اغتشاشات شعارها یک شعار بود و آن‌ها می‌خواستند نماد حکومت دینی، جامعه انقلابی، ارزشی، مجاهد، مقاوم، مبارز و... را که ولایت‌فقیه است، بزنند. وقتی هم که آن‌را مورد حمله قرار بدهند، هویّت جامعه فرو می‌ریزد و وقتی هویّت جامعه فرو ریخت، یک بدسیرت را پیدا می‌کنند و آن را به‌عنوان نماد جلوه می‌دهند. یک نماد بدلی، پست و حقیر را معرفی می‌کنند.

- رهبری انقلاب با همان صلابت زمان امام^(ع)

نماینده ولی‌فقیه در آذربایجان شرقی و امام‌جمعه تبریز نیز در این مراسم اظهار کرد: مردان بزرگ به‌مانند قلّه‌های افراشته‌ای هستند که ما با شوق و حسرت به سوی آن‌ها صف می‌کشیم تا در دورترین نقطه اوج گرابی آنان را بنگریم. خاندان بزرگ خامنه‌ای از سادات اصیل حسینی و از نسل پاک امام چهارم، حضرت امام‌سجاد^(ع) هستند.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمدعلی آل‌هاشم با اشاره به سابقه خانواده آیتا... خامنه‌ای در تبریز، بیان کرد: از آیتا... سیدحسین خامنه‌ای فرزندان دانشمند و پارسا به یادگار مانده است که هر کدام از استوانه‌های علمی شهر تبریز به‌شمار می‌روند. وی با اشاره به اهداف شوم دشمنان گفت: خداوند را شاکریم که امروز هدایت و رهبری نظام اسلامی ما را حضرت آیتا... خامنه‌ای به‌دست گرفته‌اند. ششم تیر سال ۱۳۶۰ دشمن می‌خواست ایشان را از ما بگیرد، اما به لطف الهی ایشان ماندند و رهبری نظام اسلامی ایران و هدایت مسلمانان جهان را به‌عهده گرفتند و امروز شاهدیم که انقلاب ما با همان صلابت و شجاعت و اقتدار زمان حضرت امام خمینی^(ع)، رهبری می‌شود.

- در مسیر معرفی علمای اسلام

در ابتدای این مراسم نیز معاون دفتر حفظ و نشر آثار رهبر معظم انقلاب اظهار کرد: نگوداشت شخصیت علمی و اجتماعی مرحوم آیتا... سیدجواد خامنه‌ای در ادامه همین مسیر و معرفی و بزرگداشت علمای اسلام است. یعنی معرفی الگو و شاخص برای آحاد جامعه‌ای که طالب کمال و هدایت است.

ایمان عطاززاده افزود: کتاب «زندگی اینجاست» برش‌هایی از زندگی مرحوم آیتا... سیدجواد خامنه‌ای است که به قلم آقای مهدی قزلی نگارش شده و روایت ساده‌و صمیمی از زندگی عالمی عامل، مجتهدی میرز و زاهدی متقی است که در طول ۹۲ سال حیات پرپرکتش، هرگز ساده‌زیستی، دوری از تظاهر و زیست صمیمانه و بی‌تکلف کنار مردم را ترک نکرد.

- سبک زندگی برای همه ایران

مهدی قزلی، نویسنده کتاب «زندگی اینجاست»، در ادامه این مراسم با اشاره به جایگاه و ویژگی‌های شخصیتی آیتا... سیدجواد خامنه‌ای، اظهار کرد: سبک زندگی آقا سیدجواد چیزی است که در همه‌جای جهان می‌توان از آن استفاده کرد و به تبریز، قم، نجف، تهران و مشهد اختصاص ندارد، بلکه متناسب با وجود انسان است. در پایان مراسم از کتاب «زندگی اینجاست» و دو سند تاریخی جدید و مهم از فقا‌هت و اجتهاد آیتا... سیدجواد خامنه‌ای رونمایی شد.

برکه حقیقت

نگاهی به ۲ اثر داستانی درباره واقعه غدیر خم

سنابادی

«امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به‌عنوان] آیینی برگزیدم*»، این واژه‌های آسمانی بخشی از «آیه اکمال» است و قسمتی از سخن الهی‌که گفته‌اند در واقعه غدیر خم بر پیامبر رحمت نازل شد. هجدهم ذی‌الحجه سال پیش از وداع محمد^(ص)، هنگامی که مسلمانان حج گزار از حجه‌الوداع بازمی‌گشتند، در محل غدیر خم، جبرئیل آیه تبلیغ را بر پیامبر^(ص) نازل کرد و فرمان خداوند را به حضرت رساند؛ اینکه ایشان باید شایسته ترین فرد امت اسلام را برای جانشینی رسول خدا به مردم معرفی کنند، به عبارتی، علی^(ع) را ولی و وصی بعد از خویش بخواوند. حضرت محمد^(ص) امر خدا را اطاعت کردند و پس از متوقف ساختن کاروان حاجیان و یک‌جا جمع شدن جماعت، خطبه غدیر خواندند: «[...] خداوند لطیف و خبیر مرا خبر داد که من به زودی [به سوی او] فرا خوانده می‌شوم و [دعوت او را] اجابت خواهم نمود [...] پس بنگرید که پس از من چگونه درباره نقلین [کتاب خدا و عترت رسول] رفتار می‌کنید [...] آن‌گاه خاتم پیامبران دست علی^(ع) را بلند کردند تا مردم ایشان را ببینند. سپس فرمودند: «ای مردم، آیا من از خود شما، به ولایت [سرپرستی] شما سزاوار تر نیستم؟» بعد از شنیدن پاسخ مثبت و شوق‌مندانۀ جماعت مسلمین، حضرت فرمودند: «خداوند ولی من است و من ولی مؤمنانم و من به خود شما، به ولایت [سرپرستی] شما سزاوارترم. پس هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست.» حضرت سه بار این جمله را بازگفتند و بعد گفتند: «خداوند!، دوست بدار و سرپرستی کن هر کسی را که علی را دوست دارد و او را مولای خود بدار و دشمن بدار هر کسی را که او را دشمن می‌دارد

و یاری نما هر کسی را که او را یاری می‌نماید و به حال خود رها کن هر کس را که او را وای می‌گارد.» و به مردم فرمودند: «حاضران این پیام را به غایبان برسانند.» و همین پیامی که حاضران به غایبان رساندند و در اعصار بعد، بارها و بارها و بارها بازگویی شد و چه بسیار هم از سر عمد یا غفلت نادیده گرفته شد و ناشنیده ماند، گنجینه‌ای مغفول بود که لحظه‌ای پس از ارائه آن، جبرئیل بار دیگر بر پیامبر^(ص) نازل شد و آیه اکمال آورد: «امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای

شما [به‌عنوان] آیینی برگزیدم،... اکنون آن که بر آیین محمد^(ص) مؤمن است و از موهبت امکان ابلاغ پیام اکمال [توان نویسنده‌گی] برخوردار است، چه مسئولیتی دارد؟ به‌طور مشخص، وظیفه داستان‌نویسان در برابر پیام رسول خدا چیست؟ جز این است که به بهترین شکلی که از پیشش بر می‌آیند، بایسته است آن را یادآور شوند؟ در گزارش پیش رو، دو اثر داستانی را معرفی خواهیم کرد که اهالی قلم در همین راستا نوشته‌اند.

- سفیر پیامبر^(ص)

«آسمان چهارم، زمانی درباره غدیر خم، ادبیات داستانی قالب‌هایی را در اختیار نویسنده و خواننده‌اش می‌گذارد که بر بستر هنر و خلاقیت و سرگرمی شکل می‌گیرد. خیلی اوقات، نویسنده داستان و رمان با آفرینش ماجرا می‌کوشد ضمن ارائه لذت هنری به مخاطبش پیام و درونمایه‌ای هم به وی عرضه دارد. نویسنده‌گان مسلمانی که در نوشته‌هایشان بر آیین خود تأکید دارند، پیام یادشده را از آموزه‌های دین اسلام می‌گیرند و به مقصد (مخاطب) می‌رسانند. برای نمونه، در نگارش داستان‌های تاریخی مربوط به صدر اسلام تلاش می‌کنند با مایه‌گرفتن از واقعیت، حقیقت را به‌نمایش بگذارند و حقیقت واقعه‌غدیر برای چنین نویسنده‌گانی همان پیام آخرین پیامبر^(ص) است. فریا کلهر در کتاب «آسمان چهارم، زمانی درباره غدیر خم، که از عنوان فرعی‌اش هم مشخص است، با زبان ادبیات، داستان حقیقت برکه‌ای را بازگو می‌کند که شاهد دغدغه مهم و بزرگ محمد^(ص) است. در این داستان بلند، تخیل و داستان‌پردازی با تاریخ تنیده می‌شود و برکه غدیر در عرصه ادب راوی حقیقت ولایت علی^(ع) بر پیروان محمد^(ص) می‌شود. «آسمان چهارم، داستان شخصی به نام الیاس را تعریف می‌کند که به امر پیامبر^(ص)، به مسلمان کردن مردم قبیله ربیع راهی می‌شود. او با اسب خاص سرخ‌رنگش به این مأموریت



نگاهی به رمان «جاده» نوشته کورمک مک‌کارتی و فیلم اقتباس شده از آن

پرسه در دنیای پسا آخرالزمان



آنچه می‌تواند با هم‌نوعش بکند، این تیره پشتش را لرزانده نه گرسنگی و دنیای پساآخرالزمانی رمان. در مصاحبه‌ای گفته است: «من قدرت کوه آتش‌فشانی سنت هلن و آن سطح از ویرانی را که می‌تواند به جا نامیدانه و لطافتی که دو نفر را در برابر ویرانی کامل زنده نگه می‌دارد.» البته باید ریشه‌های خلق این اثر را در گذشته‌ای دورتر جست‌وجو کرد. مثل‌زمانی که مک‌کارتی نوجوان باپای پیاده‌از ساحل شرقی به جنوب غرب آمریکا رفت. در طول این سفر در مشقت زندگی کرد، درست مانند قهرمانان رمان هایش.

دست‌به‌دهان بود و زیر پل‌های می‌خوابید. می‌گویند در این سفر که به سفر زائران می‌ماند هفت‌هزار جلد کتاب را – عددی که اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد- به همراه داشت که در صندوق امانات ایستگاه‌های راه‌آهن می‌گذاشت. پس از پایان سفر مانند عارفی مردم‌گریز چهار سال را در آلاسکا و در انزوا زندگی کرد و در آن خلوت خواند و خواند تا نوشتن از او نشأت کرد. آنچه‌مک‌کارتی پیر آن شب از پشت شیشه هتلش در آل‌پاسو دید، آن پیاده‌روی سرسختانه و تاول‌ساز پدر و پسر در رمان «جاده»، ذُردهای زندگی‌ای بود که

- نوشیده بود.

- نبود انسانیت ترسناک‌تر از سونامی است

حقوق ساخت فیلم را وقتی خریدند که رمان هنوز دست‌نوشته بود و منتشر نشده بود. پشت‌جان هیلکات کارگردان از خواندن رمان لرزید... دلش. «جاده» بیش از هر چیز به یادش آورد توانایی آدمیزاد را برای



تابلوی «غدیرخم» اثر استاد مصود فرشچیان

بخش‌های این کتاب با عنوان‌های «در خانه تو»، «وقتی زمین می‌سوزد»، «اعتراض بر پیامبر^(ص)»، «چرا سکوت؟»، «دوشنبه سیاه»، «میراث شوم»، «با فریب مردم»، «بهترین سنت‌ها»، «مزد ترس از دشمن» و جز این‌ها مشخص شده است.

کتاب از عبدالمطلب، پدربزرگ پیامبر^(ص) و ابوطالب، عموی ایشان که پدر علی^(ع) است، و

همچنین از بعثت و سختی‌ها و مشقّت‌هایی می‌گوید که رسول‌خدا در ترویج دین مبین اسلام با آن روبه‌رو می‌شوند. هجرت پیامبر^(ص) و علم‌آموزی علی^(ع) از پیامبر^(ص) و ارتباط صمیمانه دو معصوم و فداکاری‌های حضرت علی^(ع) برای انتشار دین اسلام و جنگشان با کفار و به خلافت رسیدن ایشان و واکنش مخالفان و مبارزه برای گسترش عدالت در جامعه و... مسائلی دیگر است که نویسنده در اثر داستانی‌اش به آن توجه کرده است. این کتاب را انتشارات انجمن قلم ایران در ۳۸۶ صفحه منتشر ساخته است.

می‌رود. در طی سفر، خواهرزاده‌اش تیهان یازده‌ساله هم به او ملحق می‌شود. پس از تحمل سختی‌های مسیر، آن‌ها به قبیله ربیع می‌رسند اما عموی او

حارث که رئیس قبیله است و خود اهالی قبیله اتفاقاتی را رقم می‌زنند... این کتاب را مؤسسه انتشارات قیدانی در ۱۵۲ صفحه به چاپ رسانده است.

- علی^(ع) کیست؟

«در خانه تو، زمان زندگی امام علی^(ع)، یک پرسش بنیادین که ممکن است برای افراد ناآگاه پیش بیاید این است که اصلا علی^(ع)

کیست و چه ویژگی‌هایی دارد که سبب شده او شایسته ترین فرد برای جانشینی بهترین بنده خداوند در امر راهبری مردم باشد. رضا شیرازی، نویسنده «در خانه تو: رمان زندگی امام علی^(ع)، زندگی‌نامه‌ای داستانی از حضرت پیش‌روی خواننده گذاشته که شاید تا اندازه‌ای پاسخ‌گوی پرسش یادشده باشد.

می‌رود. در طی سفر، خواهرزاده‌اش تیهان یازده‌ساله هم به او ملحق می‌شود. پس از تحمل سختی‌های مسیر، آن‌ها به قبیله ربیع می‌رسند اما عموی او

حارث که رئیس قبیله است و خود اهالی قبیله اتفاقاتی را رقم می‌زنند... این کتاب را مؤسسه انتشارات قیدانی در ۱۵۲ صفحه به چاپ رسانده است.

می‌رود. در طی سفر، خواهرزاده‌اش تیهان یازده‌ساله هم به او ملحق می‌شود. پس از تحمل سختی‌های مسیر، آن‌ها به قبیله ربیع می‌رسند اما عموی او

حارث که رئیس قبیله است و خود اهالی قبیله اتفاقاتی را رقم می‌زنند... این کتاب را مؤسسه انتشارات قیدانی در ۱۵۲ صفحه به چاپ رسانده است.

می‌رود. در طی سفر، خواهرزاده‌اش تیهان یازده‌ساله هم به او ملحق می‌شود. پس از تحمل سختی‌های مسیر، آن‌ها به قبیله ربیع می‌رسند اما عموی او

حارث که رئیس قبیله است و خود اهالی قبیله اتفاقاتی را رقم می‌زنند... این کتاب را مؤسسه انتشارات قیدانی در ۱۵۲ صفحه به چاپ رسانده است.

می‌رود. در طی سفر، خواهرزاده‌اش تیهان یازده‌ساله هم به او ملحق می‌شود. پس از تحمل سختی‌های مسیر، آن‌ها به قبیله ربیع می‌رسند اما عموی او

حارث که رئیس قبیله است و خود اهالی قبیله اتفاقاتی را رقم می‌زنند... این کتاب را مؤسسه انتشارات قیدانی در ۱۵۲ صفحه به چاپ رسانده است.

***جمله‌ای از توماس هابز، فیلسوف انگلیسی**

****برای نوشتن این متن از مطالبی از تارنماهای**

euronews.com. female.com.au. list.co.uk. sbs.com.au

استفاده شده است.

نفرین... و جهان خاکستران‌دوست... و سرد. خورشید گرچه زنده است، به قهر می‌تابد، و به اکراه، انسان‌های بسیاری را می‌بینی که از ناامیدی تلف

می‌شوند، آن چنان که از گرسنگی... دوره انقراض نیکی و نعمت از مدت‌ها پیش آغاز شده و زمین هرزه‌زاری است که از آن شر می‌رود. معجزه‌باوری منسوخ است، هرچه هر روز بیدار شدن در آن ایام معجزتی است. مردمان تمدن را از تن نکانده‌اند. اخلاق امری تجملی است. آدمیان از هم می‌رمند. آن چنان که اهوی ماده از بوی تن پلنگ... و «انسان گرگ انسان است».* کورمک مک‌کارتی کافردل ما را به این دنیا پرت می‌کند. هم سفرمان می‌کند با پدر و پسر بچه‌ای که در جاده‌ای دوزخی یک چرخ دستی فروشگاه‌ی با چرخ‌های لق را هل می‌دهند. همه‌دار و ندار آن‌ها محتویات ناچیز همین چرخ دستی است به اضافه یک هفت تیر و دو گلوله. درس‌هایی که یک پدر باید به پسرکش در جهان پساآخرالزمانی بدهد، سرفصل‌های زیادی ندارد. هرچه هست ذیل عنوان «بقا» یا تلاش برای کاهش رنج خلاصه می‌شود. ما آخرین آدم‌های خوب دنیا هستیم و هر که غیر ما بد است، شعله درونت را روشن و زنده نگه‌دار و به وقت لزوم لوله سرد اسلحه را در دهانت فرو کن و ماشه را بکش. «جاده» زمانی پساآخرالزمانی است. بلا فاجعه - هرچه که بوده و ما نمی‌دانیم- نازل شده است. دنیا ویران شهری است که جنبنده‌ها و روبرویدنی‌ها در آن اندک‌اند. و آن جنبنده اگر آدمیزاد باشد باید تا جای ممکن از دور شود. دنیا در وضعیت‌ی پیشاگورستانی است و پدر و پسری بی‌نام به جنوب جایی می‌روند، به سمت سادگی... نه مانند امیدشان آن‌ها را به اینجا می‌کشاند. کمیته پولیتزر وقتی در سال ۲۰۰۷ جایزه بخش داستان را به «جاده» می‌کارتی داد، آن را این‌طور توصیف کرد: «داستان بسیار تکان‌دهنده یک سفر».

- نیمه شبی در آل پاسوی نگراس

کورمک مک‌کارتی وقتی در نیمه‌های شبی داشت آل‌پاسوی نگراس، یکی از بدنام‌ترین شهرهای جهان را از پشت شیشه اتاق هتلی نگاه می‌کرد که در آن اقامت داشت، به این فکر کرد که در ۵۰ یا ۱۰۰ سال آینده این شهر چگونه خواهد بود. شاید در پیرانه‌سری پدر نشده بود (از ازدواج سوشش در شصت و چند سالگی صاحب پسری شد) و طفل شیرخوارش در فاصله کمی با او در همان اتاق نبود، و شاید اگر جایی امن‌تری از دنیا بود، تخیلش به فاجعه ریشه نمی‌زد.

مک‌کارتی نویسنده گوشه‌گیری بود که کم آفتابی می‌شد. در طول زندگی‌اش چهار مصاحبه بیشتر انجام نداد و یکی از آن‌ها با مجری معروف، اپرا وینفری بود و در همین گفت‌وگو بود که اصابت ایده خلق رمان «جاده» به مغزش را فاش کرد. او در آن شب به پسرش